

اصول و مبانی حقوق اساسی

تألیف

دکتر فیروز اصلانی

استادیار دانشگاه تهران

دکتر خیرالله پروین

دانشیار دانشگاه تهران

توجه!

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. کثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۳۲۸۷

شماره مسلسل ۷۲۰۹

پروین خیرالله ۱۳۹۱ -
 اصول و مبانی حقوق اساسی / تألیف خیرالله پروین، فیروز اصلانی - تهران: دانشگاه تهران.
 مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۱.
 ۳۴۱ ص.: (انتشارات دانشگاه تهران: شماره ۳۲۸۷).
 ISBN 978-964-03-6344-7
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات کتابخانه.
 کتابنامه.
 حقوق اساسی. حقوق اساسی - ایران. حقوق سیاسی. اصلانی، فیروز. ۱۳۳۵ - دانشگاه
 تهران: مؤسسه انتشارات.
 ۶ الف ب / ۳۱۶۵ K ۳۴۱
 شماره کتابشناسی ملی
 ۱۳۹۱
 ۲۷۱۹۴۵۰

ISBN:978-964-03-6344-7



9 789640 363447

عنوان: اصول و مبانی حقوق اساسی
 تألیف: دکتر خیرالله پروین - دکتر فیروز اصلانی
 ویراستار: محمد قیصری
 نوبت چاپ: اول
 تاریخ انتشار: ۱۳۹۱
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
 چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است»
 «کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۹۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات
 پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - سایت ut.ac.ir
 بخش و فروش: تلفکس ۸۸۰۱۲۰۷

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱.....	سر آغاز سخن.....
۱.....	الف. ضرورت زندگی اجتماعی.....
۲.....	ب. ضرورت آگاهی از قوانین جامعه و ارکان و عناصر حکومت.....

بخش اول: مبانی حقوق اساسی

۷.....	طرح مطلب.....
۷.....	فصل اول: تجربه‌های اولیه حقوق اساسی.....
۸.....	بند اول: سوئیس.....
۸.....	بند دوم: انگلستان.....
۸.....	بند سوم: ایالات متحده آمریکا.....
۸.....	بند چهارم: فرانسه.....
۹.....	بند پنجم: کشورهای کمونیستی.....
۹.....	بند ششم: کشورهای اسلامی.....
۱۰.....	فصل دوم: تاریخچه حقوق اساسی.....
۱۰.....	بند اول: سابقه تاریخی حقوق اساسی در جهان.....
۱۲.....	بند دوم: سابقه تاریخی حقوق اساسی در ایران.....
۱۲.....	فصل سوم: تعریف و جایگاه حقوق اساسی.....
۱۴.....	مبحث اول: معیارهای تعریف حقوق اساسی.....
۱۴.....	گفتار اول: معیار نفوی.....
۱۵.....	گفتار دوم: معیار شکلی.....
۱۶.....	گفتار سوم: معیار موضوعی.....
۱۷.....	بند اول: دیدگاه کلاسیک.....
۱۸.....	بند دوم: دیدگاه جدید.....
۲۱.....	گفتار چهارم: معیار دانشگاهی.....
۲۲.....	مبحث دوم: جایگاه حقوق اساسی.....
۲۲.....	فصل چهارم: اهداف حقوق اساسی.....
۲۳.....	فصل پنجم: موضوعات حقوق اساسی.....
۲۵.....	فصل ششم: تمایز نظم سیاسی از حقوق اساسی.....
۲۶.....	فصل هفتم: ضمانت اجرا در حقوق اساسی.....

بخش دوم: منابع حقوق اساسی

- ۲۹..... طرح مطلب
- ۲۹..... فصل اول: اهمیت آشنایی با منابع علم حقوق
- ۳۰..... فصل دوم: طبقه‌بندی منابع حقوق اساسی
- ۳۲..... مبحث اول: منابع عام حقوق اساسی
- ۳۲..... گفتار اول: قانون اساسی
- ۳۲..... بند اول: تاریخچه قانون اساسی
- ۳۲..... الف. در ادیان الهی
- ۳۴..... ب. در جهان معاصر
- ۳۶..... بند دوم: ماهیت قانون اساسی
- ۳۸..... بند سوم: تعریف قانون اساسی
- ۳۹..... بند چهارم: معانی شکلی و ماهوی قانون اساسی
- ۳۹..... الف. معنای شکلی
- ۳۹..... ب. معنای ماهوی
- ۴۱..... بند پنجم: ویژگی‌های قانون اساسی
- ۴۳..... بند ششم: دلایل تدوین قانون اساسی
- ۴۴..... بند هفتم: طبقه‌بندی قوانین اساسی
- ۴۵..... الف. قوانین اساسی مدون و عرفی
- ۴۵..... (۱) قانون اساسی مدون
- ۴۶..... (۲) قانون اساسی عرفی
- ۴۶..... ب. قوانین اساسی انعطاف‌پذیر (نرم) و انعطاف‌ناپذیر (سخت)
- ۴۶..... (۱) قانون اساسی نرم و انعطاف‌پذیر
- ۴۷..... (۲) قانون اساسی انعطاف‌ناپذیر
- ۴۹..... بند هشتم: ویژگی‌های تمایزبخش میان قانون اساسی و سایر قوانین
- ۵۰..... الف. اصل رعایت سلسله مراتب میان قواعد حقوقی
- ۵۰..... ب. وجود قوه مؤسس و شرایط خاص بازنگری
- ۵۱..... (۱) قوه مؤسس
- ۵۱..... (۲) شرایط بازنگری
- ۵۲..... (۳) کنترل و نظارت بر قوانین (دادرسی اساسی)
- ۶۸..... بند نهم: پایان اعتبار قانون اساسی
- ۶۹..... الف. پایان قانون اساسی به صورت عادی
- ۷۰..... ب. طرق غیر عادی پایان قانون اساسی

۷۴	گفتار دوم: دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صاحب‌نظران (دکترین).....
۷۶	گفتار سوم: عرف حقوق اساسی.....
۷۶	بند اول: تعریف عرف حقوق اساسی.....
۷۷	بند دوم: عناصر عرف حقوق اساسی.....
۷۷	الف. عنصر مادی.....
۷۷	(۱) تکرار.....
۷۸	(۲) ثبات.....
۷۸	(۳) عمومیت.....
۷۹	(۴) وضوح و صراحت.....
۷۹	(۵) اجماع و توافق نظر.....
۷۹	ب. رکن معنوی.....
۸۰	مبحث دوم: منابع خاص حقوق اساسی.....
۸۱	گفتار اول: کتاب.....
۸۱	گفتار دوم: سنت.....
۸۲	گفتار سوم: اجماع.....
۸۲	گفتار چهارم: عقل.....

بخش سوم: دولت و حاکمیت سیاسی

۸۵	طرح مطلب.....
۸۶	فصل اول: واژه دولت.....
۸۸	فصل دوم: تعاریف دولت.....
۸۸	مبحث اول: تعریف عمومی دولت.....
۸۹	مبحث دوم: تعریف قانونی دولت.....
۹۰	مبحث سوم: تعریف اجتماعی دولت.....
۹۰	مبحث چهارم: تعریف فلسفی دولت.....
۹۱	فصل سوم: آراء و نظریات مطرح‌شده در خصوص ایجاد دولت.....
۹۱	مبحث اول: نظریه غیرقراردادی.....
۹۲	گفتار اول: نظریه قدرت.....
۹۳	گفتار دوم: نظریه تحول تاریخی نهاد خانواده.....
۹۴	گفتار سوم: نظریه تأثیر ساختارهای طبقاتی و اقتصادی در تشکیل دولت.....
۹۴	گفتار چهارم: نظریه تحول تاریخی نهادهای اجتماعی.....
۹۵	گفتار پنجم: نظریه تفویض حاکمیت الهی به پادشاهان و فرمانروایان.....

۹۵	گفتار ششم: نظریه فطری و تکوینی بودن دولت
۹۵	مبحث دوم: نظریات قراردادی
۹۶	گفتار اول: نظریه توماس هابز
۹۷	گفتار دوم: نظریه جان لاک
۹۸	گفتار سوم: نظریه ژان ژاک روسو
۹۸	گفتار چهارم: نظریه دولت اسلامی
۹۸	بند اول: محورهای عمده نظریه دولت اسلامی
۹۹	الف. ضرورت فطری تشکیل دولت
۱۰۲	ب. ضرورت تشکیل دولت در اسلام
۱۰۳	بند دوم: دین و سیاست در اسلام
۱۰۴	بند سوم: دولت و نظام سیاسی در اسلام
۱۰۵	بند چهارم: مبانی و عناصر دولت اسلامی
۱۰۸	فصل چهارم: جایگاه دولت در مطالعات حقوقی
۱۰۹	فصل پنجم: مراحل تکامل دولت در عصر کنونی
۱۱۰	فصل ششم: عناصر تشکیل دهنده دولت
۱۱۱	مبحث اول: جمعیت
۱۱۴	گفتار اول: معیار عینی
۱۱۴	گفتار دوم: معیار ذهنی
۱۱۵	مبحث دوم: سرزمین
۱۱۶	گفتار اول: قلمرو سرزمینی (ارضی)
۱۱۷	گفتار دوم: قلمرو آبی
۱۱۸	گفتار سوم: فضای هوایی
۱۱۹	مبحث سوم: حاکمیت (سلطه سیاسی)
۱۲۲	گفتار اول: واژه حاکمیت
۱۲۳	گفتار دوم: مفهوم حاکمیت
۱۲۵	گفتار سوم: مقایسه حکومت و حاکمیت
۱۲۶	گفتار چهارم: ابعاد حاکمیت
۱۲۶	بند اول: بعد داخلی حاکمیت
۱۲۷	بند دوم: بعد خارجی حاکمیت
۱۲۸	گفتار پنجم: آثار و نتایج حاکمیت
۱۲۸	بند اول: بهره مندی دولت‌ها از امتیازات حاکمیت
۱۲۸	بند دوم: برابری و تساوی دولت‌ها

۱۲۹	بند سوم: عدم جواز دخالت در امور کشورها
۱۲۹	گفتار ششم: منشأ و مبنای حاکمیت
۱۳۰	بند اول: نظریه دینی و الهی
۱۳۱	الف. نظریه طبیعت الهی حکام
۱۳۱	ب. نظریه اعمال مستقیم حق حاکمیت الهی
۱۳۲	ج. نظریه اعمال غیر مستقیم حق حاکمیت الهی
۱۳۲	بند دوم: نظریه حاکمیت مردم
۱۳۴	الف. آثار و نتایج نظریه حاکمیت مردم
۱۳۴	ب. انتقادات وارد بر نظریه حاکمیت مردم
۱۳۵	بند سوم: نظریه حاکمیت ملی
۱۳۷	الف. آثار و نتایج نظریه حاکمیت ملی
۱۳۷	ب. انتقادات وارد بر نظریه حاکمیت ملی
۱۳۹	بند چهارم: نظریه حاکمیت فردی (حاکمیت مطلق)
۱۴۰	بند پنجم: نظریه حاکمیت در اسلام
۱۴۴	الف. اصول کلی حاکمیت در اسلام
۱۴۷	ب. دیدگاههای اندیشمندان اسلامی
۱۵۰	گفتار هفتم: برآیند بحث حاکمیت
۱۵۱	فصل هفتم: شخصیت حقوقی دولت
۱۵۲	مبحث اول: پذیرش شخصیت حقوقی دولت
۱۵۴	مبحث دوم: انکار شخصیت حقوقی دولت
۱۵۵	فصل هشتم: تقسیم‌بندی‌های نهاد دولت
۱۵۵	مبحث اول: دولت‌های بسیط
۱۵۶	گفتار اول: مهم‌ترین ویژگی دولت‌های بسیط
۱۵۶	بند اول: برخورداری از تشکیلات سیاسی واحد
۱۵۷	بند دوم: برخورداری از عنصر جمعیت واحد
۱۵۷	بند سوم: وحدت سرزمین
۱۵۸	گفتار دوم: اشکال دولت بسیط
۱۵۸	بند اول: دولت بسیط متمرکز
۱۵۹	بند دوم: دولت بسیط غیرمتمرکز
۱۶۰	بند سوم: دولت بسیط پیچیده
۱۶۰	الف. یکپارچگی انضمامی
۱۶۱	ب. یکپارچگی منطقه‌ای سیاسی

- ۱۶۲..... مبحث دوم: دولت‌های مرکب یا چند پارچه.....
- ۱۶۴..... گفتار اول: اقسام دولت مرکب.....
- ۱۶۴..... بند اول: اتحاد دول.....
- ۱۶۴..... الف. ساختار کلاسیک اتحاد دول.....
- ۱۶۴..... ب. ساختار جدید اتحاد دول.....
- ۱۶۴..... (۱) اتحاد شخصی.....
- ۱۶۶..... (۲) اتحاد واقعی.....
- ۱۶۶..... بند دوم: کنفدراسیون یا هم‌پیمانی دولت‌ها.....
- ۱۶۹..... الف. کنفدراسیون سوئیس.....
- ۱۷۰..... ب. کنفدراسیون ایالات متحده آمریکا.....
- ۱۷۰..... بند سوم: دولت فدرال.....
- ۱۷۳..... الف. ویژگی‌های دولت فدرال.....
- ۱۷۳..... (۱) شخصیت حقوقی واحد هر سطح بین‌المللی.....
- ۱۷۳..... (۲) تعدد نظام سیاسی در سطح داخلی.....
- ۱۷۴..... (۳) برتری قوانین دولت فدرال.....
- ۱۷۴..... (۴) خودمختاری و استقلال در اداره امور داخلی.....
- ۱۷۴..... (۵) تبعیت از اصل مشارکت.....
- ۱۷۵..... ب. مقایسه کنفدراسیون دولت‌ها و دولت‌های فدرال.....

بخش چهارم: نظام‌های سیاسی و تفکیک قوا

- ۱۷۷..... طرح مطلب.....
- ۱۷۷..... فصل اول: تقسیمات حکومت.....
- ۱۷۸..... مبحث اول: انواع حکومت‌ها از حیث منشأ حاکمیت.....
- ۱۷۸..... مبحث دوم: انواع حکومت‌ها از نظر کیفیت انتخاب رئیس کشور.....
- ۱۷۸..... گفتار اول: حکومت پادشاهی.....
- ۱۷۹..... گفتار دوم: حکومت جمهوری.....
- ۱۷۹..... گفتار سوم: تمایزات حکومت‌های پادشاهی و جمهوری.....
- ۱۸۰..... بند اول: منشأ قدرت رئیس کشور.....
- ۱۸۱..... بند دوم: مسئولیت رئیس کشور.....
- ۱۸۲..... مبحث سوم: انواع حکومت‌ها از لحاظ تبعیت و پیروی از قانون.....
- ۱۸۲..... گفتار اول: حکومت‌های استبدادی.....
- ۱۸۳..... گفتار دوم: حکومت‌های قانون مدار.....

۱۸۳	بند اول: حکومت مطلقه
۱۸۴	بند دوم: حکومت‌های مقید به قانون
۱۸۴	فصل دوم: نظام‌های سیاسی
۱۸۵	فصل سوم: طبقه بندی‌های نظام‌های سیاسی
۱۸۶	فصل چهارم: تفکیک قوا
۱۸۶	مبحث اول: سیر تاریخی نظریه تفکیک قوا
۱۸۷	مبحث دوم: نظریه پردازان برجسته اندیشه تفکیک قوا
۱۸۷	گفتار اول: ارسطو
۱۸۸	گفتار دوم: جان لاک
۱۸۹	گفتار سوم: منتسکیو
۱۸۹	گفتار چهارم: جان ژاک روسو
۱۹۰	گفتار پنجم: دکترین حقوقی معاصر
۱۹۱	مبحث سوم: منتسکیو و طرح اندیشه تفکیک قوا
۱۹۲	گفتار اول: زمینه های طرح اندیشه تفکیک قوا
۱۹۳	گفتار دوم: آثار طرح اندیشه تفکیک قوا
۱۹۶	گفتار سوم: انتشار نظریه تفکیک قوا
۱۹۶	گفتار چهارم: اعمال و اجرای اندیشه تفکیک قوا در نظام های سیاسی
۱۹۸	مبحث چهارم: تفکیک قوا در اسلام
۲۰۰	مبحث پنجم: انتقادات مطرح شده بر نظریه تفکیک قوا
۲۰۳	مبحث ششم: آینده نظریه تفکیک قوا
۲۰۴	مبحث هفتم: برداشت های مختلف از نظریه تفکیک قوا
۲۰۴	گفتار اول: نظام ریاستی
۲۰۷	بند اول: قوه مقننه
۲۰۷	بند دوم: قوه مجریه
۲۰۸	بند سوم: قوه قضائیه
۲۰۹	گفتار دوم: نظام پارلمانی
۲۱۱	بند اول: عناصر و ارکان نظام پارلمانی
۲۱۱	بند دوم: ویژگی‌های نظام پارلمانی
۲۱۲	بند سوم: عدم مسئولیت سیاسی رئیس کشور در نظام‌های پارلمانی
۲۱۴	گفتار سوم: نظام نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی
۲۱۴	بند اول: ماهیت نظام نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی
۲۱۴	بند دوم: ویژگی‌های نظام نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی

بخش پنجم: قوه مقننه

۲۱۷.....	طرح مطلب
۲۱۸.....	فصل اول: نقش پارلمان در طول تاریخ
۲۱۸.....	مبحث اول: نقش مشاوره‌ای
۲۱۹.....	مبحث دوم: نقش نمایندگی
۲۱۹.....	مبحث سوم: نقش نظارتی
۲۱۹.....	فصل دوم: پیشینه مجالس قانون‌گذاری
۲۲۰.....	فصل سوم: اقسام قوه مقننه
۲۲۱.....	مبحث اول: نظام دو مجلسی
۲۲۱.....	گفتار اول: نظام دو مجلسی در کشورهای فدرال
۲۲۲.....	گفتار دوم: نظام دو مجلسی در کشورهای بسیط
۲۲۴.....	گفتار سوم: مجالس دوم غیر انتخابی
۲۲۴.....	بند اول: اعضای مؤثری
۲۲۴.....	بند دوم: اعضای مادام‌العمر
۲۲۴.....	بند سوم: اعضای انتصابی
۲۲۴.....	بند چهارم: اعضای مبتنی بر انتخابات محدود
۲۲۵.....	بند پنجم: اعضای برگزیده مجلس
۲۲۵.....	بند ششم: اعضای استحقاقی
۲۲۵.....	گفتار چهارم: مجالس دوم انتخابی
۲۲۵.....	گفتار پنجم: دیدگاه‌های موافق و مخالف در خصوص مجالس دوم
۲۲۶.....	مبحث دوم: نظام یک مجلسی
۲۲۷.....	فصل چهارم: سازمان داخلی مجلس
۲۲۷.....	مبحث اول: مصونیت نمایندگان یا مصونیت پارلمانی
۲۳۰.....	گفتار اول: ماهیت مصونیت پارلمانی
۲۳۲.....	گفتار دوم: اقسام مصونیت پارلمانی
۲۳۲.....	بند اول: عدم مسئولیت
۲۳۳.....	بند دوم: تعرض‌ناپذیری
۲۳۴.....	مبحث دوم: حمایت از پارلمان در برابر اهانت
۲۳۴.....	مبحث سوم: مانع‌الجمع بودن شغل نمایندگی با سایر مشاغل
۲۳۴.....	مبحث چهارم: استقلال پارلمان
۲۳۴.....	گفتار اول: استقلال اداری
۲۳۵.....	گفتار دوم: استقلال مالی

۲۳۵	گفتار سوم: استقلال آئین‌نامه‌ای
۲۳۵	فصل پنجم: ساختار سازمانی و تشکیلاتی
۲۳۵	مبحث اول: ساختار تشکیلاتی
۲۳۶	مبحث دوم: ساختار اداری
۲۳۶	فصل ششم: تشکیل کمیسیون‌ها در پارلمان
۲۳۷	مبحث اول: کمیسیون‌های عادی
۲۳۷	مبحث دوم: کمیسیون‌های تخصصی
۲۳۷	گفتار اول: کمیسیون‌های موقت
۲۳۸	گفتار دوم: کمیسیون‌های دائمی
۲۳۸	گفتار سوم: کمیسیون‌های تحقیق
۲۳۸	گفتار چهارم: کمیسیون‌های مشترک
۲۳۸	فصل هفتم: وظایف و اختیارات پارلمان
۲۳۹	مبحث اول: قانون‌گذاری
۲۴۱	گفتار اول: پیشنهاد قانون
۲۴۲	گفتار دوم: بررسی طرح‌ها و لوایح قانونی
۲۴۲	گفتار سوم: تصویب قانون
۲۴۴	گفتار چهارم: توشیح و انتشار قانون
۲۴۵	گفتار پنجم: تفسیر قانون
۲۴۵	مبحث دوم: نقش نظارتی پارلمان
۲۴۶	گفتار اول: تعیین اعضای قوه مجریه
۲۴۶	بند اول: نظام ریاستی
۲۴۶	بند دوم: نظام پارلمانی
۲۴۶	بند سوم: رژیم سلطنتی
۲۴۶	بند چهارم: نظام جمهوری
۲۴۷	گفتار دوم: نظارت بر قوه مجریه
۲۴۷	بند اول: بحث و مذاکره
۲۴۷	بند دوم: تذکر
۲۴۷	بند سوم: سؤال
۲۴۸	بند چهارم: استیضاح
۲۴۸	بند پنجم: تحقیق و تفحص و رسیدگی به شکایات
۲۴۹	بند ششم: نظارت بر اجرای بودجه
۲۴۹	بند هفتم: نظارت بر سیاست خارجی

۲۵۰		بند هشتم: نظارت قضایی پارلمان
۲۵۱		فصل هشتم: رسیدگی به اعتبار نامه نمایندگان
۲۵۲		فصل نهم: انحلال پارلمان

بخش ششم: قوه مجریه

۲۵۵		طرح مطلب
۲۵۶		فصل اول: وظائف قوه مجریه
۲۵۶		مبحث اول: اجرای تصمیمات سایر قوا
۲۵۶		مبحث دوم: تهیه و تدارک تصمیمات
۲۵۷		مبحث سوم: اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا
۲۵۷		مبحث چهارم: توشیح و امضای قوانین
۲۵۷		فصل دوم: اقسام قوه مجریه
۲۵۷		مبحث اول: قوه مجریه ریاستی (یک رکنی)
۲۵۸		مبحث دوم: قوه مجریه پارلمانی
۲۵۹		مبحث سوم: قوه مجریه نیمه ریاستی نیمه پارلمانی
۲۵۹		فصل سوم: رئیس کشور

بخش هفتم: قوه قضائیه

۲۶۱		طرح مطلب
۲۶۱		فصل اول: اصل برابری در برابر دستگاه قضایی
۲۶۵		فصل دوم: استقلال قوه قضائیه
۲۶۵		مبحث اول: روشهای تعیین قضات
۲۶۶		گفتار اول: وراثت
۲۶۶		گفتار دوم: انتخاب قضات توسط دستگاه قضایی
۲۶۶		گفتار سوم: انتخاب قضات توسط مردم
۲۶۷		گفتار چهارم: انتخاب قضات توسط پارلمان
۲۶۷		گفتار پنجم: تعیین قضات توسط دولت و یا هیأتی غیردولتی متشکل از برخی از اعضای دولت
۲۶۷		بند اول: تعیین قضات توسط دولت
۲۶۸		بند دوم: انتخاب قضات توسط هیأتی غیردولتی با عضویت برخی از اعضای دولت
۲۶۸		مبحث دوم: چگونگی ترفیع و ارتقای مراتب قضات
۲۶۹		مبحث سوم: شرایط قضات
۲۶۹		فصل سوم: نظامهای قضایی

مبحث اول: نظام قضایی واحد و یگانه	۲۶۹
مبحث دوم: نظام قضایی دوگانه	۲۷۰

بخش هشتم: نظام‌های انتخاباتی

طرح مطلب	۲۷۲
فصل اول: ماهیت انتخابات	۲۷۴
مبحث اول: انتخاب حقی شخصی است	۲۷۴
مبحث دوم: انتخاب وظیفه است	۲۷۵
مبحث سوم: انتخاب حق و وظیفه است	۲۷۵
مبحث چهارم: انتخاب قدرتی قانونی است	۲۷۶
فصل دوم: نظام‌های انتخاباتی	۲۷۶
مبحث اول: نظام انتخاباتی مشروط و مقید	۲۷۶
گفتار اول: شرط مالی	۲۷۷
گفتار دوم: شرط شایستگی و تحصیلات	۲۷۷
مبحث دوم: نظام انتخاباتی عمومی و همگانی	۲۷۸
گفتار اول: تابعیت	۲۷۹
گفتار دوم: جنسیت	۲۷۹
گفتار سوم: سن	۲۸۰
گفتار چهارم: اهلیت قانونی	۲۸۱
فصل سوم: روش‌های برگزاری انتخابات	۲۸۱
مبحث اول: انتخابات مستقیم و غیرمستقیم	۲۸۲
مبحث دوم: انتخابات فردی و فهرستی	۲۸۲
مبحث سوم: نظام انتخاباتی اکثریتی و تناسبی	۲۸۳
گفتار اول: نظام انتخاباتی اکثریتی	۲۸۳
گفتار دوم: نظام انتخاباتی تناسبی	۲۸۴

بخش نهم: حقوق و آزادی‌های عمومی

طرح مطلب	۲۸۵
فصل اول: جایگاه حقوق و آزادی‌های عمومی	۲۸۷
فصل دوم: مفهوم حقوق و آزادی‌های عمومی	۲۸۸
فصل سوم: تقسیم‌بندی حقوق و آزادی‌های عمومی	۲۸۹
مبحث اول: تقسیم‌بندی حقوق و آزادی‌های عمومی در دکترین حقوقی جدید	۲۹۰

۲۹۱	مبحث دوم: تقسیم‌بندی آزادی‌های عمومی از منظر صاحب‌نظران اسلامی
۲۹۲	مبحث سوم: تقسیم‌بندی رایج در خصوص حقوق و آزادی‌های عمومی
۲۹۳	گفتار اول: حقوق و آزادی‌های مربوط به شخصیت انسان
۲۹۳	بند اول: حق حیات
۲۹۴	بند دوم: حق امنیت
۲۹۴	بند سوم: آزادی رفت و آمد
۲۹۵	بند چهارم: حرمت منزل
۲۹۶	بند پنجم: سری بودن ارتباطات
۲۹۶	گفتار دوم: حقوق و آزادی‌های مربوط به فکر و اندیشه انسان
۲۹۶	بند اول: آزادی دین و عقیده
۲۹۶	بند دوم: آزادی اندیشه
۲۹۷	بند سوم: آزادی آموزش
۲۹۷	بند چهارم: آزادی تجمع
۲۹۸	بند پنجم: آزادی تشکیل انجمن‌ها و پیوستن به آنها
۲۹۸	گفتار سوم: حقوق و آزادی‌های مربوط به فعالیت‌های انسان
۲۹۸	بند اول: حق کار
۲۹۹	بند دوم: حق آزادی تجارت و صنعت
۳۰۰	بند سوم: حق مالکیت
۳۰۰	فصل چهارم: اصل برابری
۳۰۱	مبحث اول: ویژگی‌های اصل برابری
۳۰۱	گفتار اول: برابری مطلق و نسبی
۳۰۳	گفتار دوم: برابری قانونی و برابری عملی
۳۰۳	مبحث دوم: اقسام برابری
۳۰۴	گفتار اول: برابری در حقوق
۳۰۴	گفتار دوم: برابری در مقابل قانون و وظایف عمومی
۳۰۵	بند اول: اقسام برابری در حقوق
۳۰۵	الف. برابری در اجرای حقوق سیاسی
۳۰۷	ب. برابری در بر عهده گرفتن مشاغل عمومی
۳۰۹	ج. برابری در استفاده از خدمات عمومی
۳۱۰	د. برابری در مقابل دستگاه قضایی
۳۱۰	بند دوم: اقسام برابری در مقابل قانون و وظایف عمومی
۳۱۰	الف. برابری در انجام خدمت نظام وظیفه عمومی

۳۱۱.....	ب. برابری در ایفای تکالیف و وظایف مالیاتی
۳۱۲.....	فصل پنجم: حقوق و آزادی‌های عمومی در اسلام
۳۱۳.....	مبحث اول: اصل مساوات در حقوق و تکالیف عمومی در اسلام
۳۱۵.....	مبحث دوم: اصل مساوات در برابر قانون در اسلام
۳۱۵.....	مبحث سوم: برابری میان مرد و زن در اسلام
۳۱۷.....	منابع و مآخذ

تقدیم به:

امام خمینی: که از ادبنداری و ایمان به خدا، ظلم ستیزی و حق مداری، استقامت و شکیلی، اعتماد به نفس و خودباوری و عدم خود
باحتی و آزادی، اموحیم.

شهید: که با خداکاری و از جان گذشتگی خود بایه عزت و سربلندی و سرافرازی این کشور شدند و به مایه ایشاد و خداکاری دادند.

آزادگان: آن نام آوران صبر و مقاومت که با ملل شالاور بنجوا و سختی و بربداری و پایداری بر سر آرمانهای اصل اسلام و عدم
تسلیم در برابر دشمن به مایه صبر و شکیلی و پایداری دادند.

جانبازان: مردان جاد و سکر و شنگ، مردان فضل و غیرت و شجاعت، سلطان مکتب شهادت، دل دادگان به خدای که عاشقش
بودند کسانیکه ترکش هنوز همان جانشان است، یادکاران حاسه و ماندگار در قلمها.

ایشادگران: که به عهد و پیمان خویش با شهیدان کربلایی وفادار مانده و کلمات به رسالت کریم خونی او امده می دهند.

دانشجویان: عزیزانی که آینده این کشور در کرو تلاش آنهاد فراگیری علوم نفع، اعتماد به نفس، عدم وابستگی به شرق و غرب، دلچسپی به

کشور اسلامی ایران و طرفداری آنان از حق و جایستمان از مظلومان جهان بستگی دارد.

سر آغاز سخن

سر آغاز هر نام، نام خداست که بی نام او نامه یکسر خطاست

زندگی انسان همواره با دو گرایش و حقیقت عمده همراه بوده که این دو گرایش، سر آغاز آشنایی او با شاخه‌ای از علم حقوق است که در ادبیات نوین و طبقه‌بندی جدید از علوم و معارف بشری «حقوق اساسی» خوانده می‌شود. در حقیقت، حقوق اساسی زاده گرایش انسان به زندگی اجتماعی و ضرورت آگاهی او از قوانین حاکم بر جامعه و نهادهای سیاسی و اجتماعی آن می‌باشد. از این رو خاستگاه این شاخه مهم از حقوق عمومی، در مقدمه‌ای کوتاه مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد:

الف. ضرورت زندگی اجتماعی

انسان که خداوند باری تعالی او را آفریده، و به او کرامت بخشیده و بر سایر کائنات برتری داده، موجودی اجتماعی است. این آفریده خداوند، از لحظه خلقت خود به زندگی جمعی و خانوادگی تمایل داشته و به دنبال آن به زندگی گروهی در قالب‌های بزرگتری چون عشیره و قبیله نیز گرایش پیدا کرده است. او پیوسته به زندگی و ادامه حیات می‌اندیشیده و ابتدا در گروه‌های کوچک و محدود و سپس در گروه‌های وسیع و متنوع، برای رفع این نیاز تلاش کرده است. در این میان راز این سعی و تلاش انسان نیز برآوردن خواسته‌ها و نیازهایش بوده است.

با این همه در ادامه حیات انسان بر روی زمین تحولات دیگری نیز به وقوع پیوست. به تدریج و به منظور ایجاد تحول در حیات و معیشت انسان‌ها و همچنین رفع نیاز گروه‌های مختلف انسانی به نظم و امنیت، که در نتیجه اختلافات سیاسی بین اعضای جامعه مورد تهدید واقع شده بود، گروهی به عنوان گروه حاکم تعیین شدند تا نظم و سامانی مطلوب را بر روابط اعضای جامعه حاکم سازند. پیامد این امر، تقسیم جوامع بشری به دو قطب اصلی حاکم و محکوم بود؛ اکثریت جامعه در طبقه محکوم و اقلیتی قدرتمند در طبقه حاکم جای گرفتند. از همین زمان دولت به عنوان پدیده‌ای جدید ظهور کرد، تا به عنوان چارچوبی پیشرفته و تکامل یافته، گروه‌های بشری را سامان داده و هدایت کند. در هر حال بدیهی است که انسان نمی‌تواند به صورت فردی به حیات خود ادامه دهد و تنها در قالب گروه و

اجتماع قادر به رفع نیازهای گوناگون خود می‌باشد. در نتیجه، تشکیل اجتماع انسان‌ها در وضعیتی واحد و مشخص ضروری است و در واقع این اجتماع از ضرورت‌های فطری حیات بشر به شمار می‌رود و بر او تحمیل می‌گردد. ادامه حیات انسان نیز بدون قانون و نظامی مشخص که نقش افراد جامعه را تعیین کند و فرصت‌های حرکت و تحول را برایشان فراهم سازد، میسر نیست.^۱ بنابراین انسان موجودی اجتماعی است، یعنی در جامعه‌ای معین زندگی می‌کند و در تنهایی، قوام و شکوفایی نمی‌یابد. اندیشه حیات جمعی با فکر گوشه‌گیری و جدایی از اجتماع تعارض دارد و در عین حال در جامعه بشری، همواره مجموعه‌ای از ارکان و عناصر وجود دارند تا روابط افراد را با یکدیگر استحکام بخشند.^۲ جامعه، محیطی طبیعی برای ظهور و ایجاد این نهادهای قانونی است و جامعه منظم، بدون قانون و نهادهای قانونی تشکیل نخواهد شد. در هر جامعه انسانی، قوای سیاسی، رهبری و تدبیر امور مربوط به حاکمیت را برعهده دارند.^۳

ب. ضرورت آگاهی از قوانین جامعه و ارکان و عناصر حکومت

در دنیای امروز و در وضعیت کنونی لازم است که افراد شناخت کافی نسبت به حکومت و ارکان و عناصر آن و نیز روابط نهادهای سیاسی با یکدیگر داشته باشند. آگاهی از حقوق و آزادی‌های افراد در جامعه، به منظور رعایت بهتر آن، کمترین تسامحی است که هر فرد باید در زندگی اجتماعی خود از آن برخوردار باشد. اگر فردی در جامعه‌ای زندگی کند و خواستار ایفای نقشی مناسب در این جامعه باشد، باید از قوانین پایه و اساسی جامعه خود و حتی قوانین جوامع دیگر آگاهی داشته باشد. زیرا اگر از ارکان حکومت اطلاع نداشته و از انواع روابط بین قوای حاکمه مطلع نباشد، نمی‌تواند به وظیفه خود عمل

۱. مستند این موضوع، همانطور که ابن خلدون توضیح می‌دهد: نظام آفرینش الهی است. بدین معنا که خداوند باری تعالی انسان را آفریده و وضعیت او را به گونه‌ای تنظیم کرده است که ادامه حیات او بدون تغذیه و دفاع از خود و نیز برخورداری از یک قدرت واحد بشری، امکان‌پذیر نمی‌باشد. بشر از برآورده ساختن نیازهای خود از جمله تأمین غذا که اساسی‌ترین نیاز او محسوب می‌شود و نیز دفاع از خود که بقای او بر آن استوار است، به تنهایی ناتوان می‌باشد و این گونه است که تشکیل اجتماعات انسانی امری ضروری است تا از طریق آن امکان همکاری انسان‌ها برای برآورده ساختن ضروریات بقا و حیاتشان فراهم شود.

۲. ارکان و عناصر جامعه بشری عبارتند از:

الف. سرزمین: یعنی مساحتی از زمین که گروهی از انسان‌ها بر روی آن زندگی می‌کنند. ب. جمعیت: یعنی گروهی از مردم که دارای خصوصیات و ویژگی‌های مشابهی هستند. ج. ابزار و وسایل: یعنی لوازمی که انسان‌ها برای حفظ زندگی و بقای خود به کار می‌گیرند تا به وسیله آن کسب روزی کنند و در عین حال در رشد و تحول جامعه سهم داشته باشند.

۳. انسان، همان‌طور که افلاطون در کتاب جمهوری و فارابی در کتاب آراء اهل مدینه فاضله بدان تصریح می‌کنند، موجودی فطرتاً اجتماعی است و در حیات خاص و عام خود، نیازمند همکاری با دیگران می‌باشد.

کند و نخواهد توانست در راستای احقاق حقوق خود و جامعه گام بردارد.^۱ در جوامع امروزی هر اندازه مردم نسبت به تاریخ و گذشته خود آگاهی داشته باشند، به همان اندازه می‌توانند در صحنه‌ها و میادین آینده کشور تأثیر گذار باشند؛ زیرا افراد باید به این امر توجه داشته باشند که در گذشته‌های دور و نزدیک، انسان‌های مستعد و توانمندی برای استقلال و آزادی ملت خود مبارزه کرده و حتی در این راه جان خود را نثار کرده‌اند.^۲ از این رو، امروزه در همه کشورها بر ضرورت آگاهی از حقوق و آزادی‌های فردی و سیاسی مانند حق انتخاب آزاد مسئولین و نیز لزوم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود تأکید می‌شود. در تمامی جوامع میزان آگاهی مردم از نوع حکومت، آزادی‌های سیاسی و چگونگی مشارکت در تعیین سرنوشت خود به فرهنگ و توانمندی‌های آنها بستگی دارد. در جوامع مختلف به هر میزان که مردم آگاه‌تر و نسبت به سرنوشت خود حساس‌تر باشند، به همان میزان برخورداری آنها از آزادی‌های فردی و حکومت‌های مردم سالار بیشتر خواهد بود. بنابراین حقوق اساسی هر کشور بیانگر ریشه‌های اعتقادی و توانمندی‌های فکری، معنوی و اخلاقی مردم آن کشور است و این حقوق در نتیجه مبارزات و تلاش‌های بسیار و در طول زمان‌های طولانی به دست آمده است. امروزه اگر افراد جامعه خواستار این باشند که سکان اداره کشور در دست افراد شایسته و توانمند قرار گیرد و آزادی‌های عمومی تأمین و تضمین گردد و حاکمیت برای اعضای آن جامعه ارزش قائل باشد و به رأی و نظر ایشان احترام گذارد، باید نسبت به اصول حقوق اساسی اشراف و آگاهی داشته باشند.

۱. گاهی انسان متعجب می‌شود که افراد و به‌ویژه جوانان، اسامی اکثر تیم‌های فوتبال جهان و بازیکنان آن‌ها را به خوبی می‌دانند، ولی از قانون اساسی کشور خود و مسائلی از قبیل چگونگی انتخاب مسئولین و مقابله با جریس کشور، کوچکترین اطلاعی ندارند و یا این موضوع آنقدر برایشان اهمیت ندارد که بخواهند به یادگیری آن اقدام کنند.
۲. علاوه بر آنکه گذشته تاریخی هر ملت، صحنه جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های افراد جامعه برای حفظ استقلال و هویت دینی و ملی است، تاریخ معاصر ملل از جمله ملت ایران نیز صحنه‌ای دیگر از فداکاری‌ها و از جان گذشتگی‌های مردان و زنان آزاده‌ای است که در راه اعتلا و عظمت کشور خود تا پای جان تلاش کرده و از بذل مال و جان خود نیز دریغ نکرده‌اند. علاوه بر گذشته تاریخی این سرزمین که صحنه حضور انسان‌های پاک‌پای بوده که در راه استقلال و پایداری آن فداکاری نموده‌اند در دهه‌های اخیر نیز که با طراحی بیگانگان و پشتیبانی ارتجاع منطقه جنگی نابرابر علیه مردم این سرزمین آغاز شد اگر نبود فداکاری و از جان گذشتگی صدها هزار شهید و جانباز، اسیر (آزادگان) و ابقارگر هرگز نمی‌توانستیم امروز شاهد حفظ یکپارچگی سرزمین خود و ثبات و پایداری آن باشیم.

و اما چند نکته

۱. در این کتاب برخلاف رویه معمول در کشورمان^۱ سعی شده است که از اندیشه‌های صاحب نظران مشرق زمین نیز که آشنایی کاملی با نظام حقوقی اسلام و غرب داشته اند، بهره برده شود. در این راستا بدون هیچ‌گونه تعصبی براساس گفتار ارزشمند معصوم (ع) که می‌فرماید: «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ» اهتمام بر آن بوده که به اقوال و گفتارها توجه شود و نه به اشخاص و نظریات علمی مختلف با نگاهی بی‌طرفانه مورد استفاده قرار گیرند.

۲. از آنجایی که در این کلیات حقوق اساسی معمولاً در نیمسال اول یا دوم دانشکده‌های حقوق ارائه می‌شود و در این دوره ذهن دانشجویان هنوز به مطالب حقوقی و تجزیه و تحلیل آنها اشraf کامل ندارد، در این کتاب سعی بر آن بوده تا مطالب با زبانی ساده و قابل فهم به رشته تحریر درآید و از بیان آنها در قالب‌های ثقیل و غیر قابل فهم اجتناب گردد. بنابراین آنچه در نگارش این کتاب همواره مورد توجه و تأکید بوده، تبیین اصول و امهات دانش حقوق اساسی با بیانی روشن و صریح است که این مهم با پرهیز از درج مطالب و عناوین پیچیده که طرح و بررسی آنها متناسب با گفتار حاضر نیست، عملی گشته است. چنانچه عمری باقی باشد و توفیقی از جانب رب العزه حاصل گردد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در کتابی دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. تدریس حقوق اساسی در طی سالیان متمادی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و سایر مراکز علمی کشورمان و شرکت در مناظره‌ها و سمینارهای حقوق اساسی در داخل و خارج از کشور تأثیر بسیار عمیقی در گزینش مطالب و مباحث مطرح شده در این کتاب داشته است.

۴. در این اثر صرفاً به طرح یک جنبه مباحث اکتفا نشده است بلکه تا آنجا که ممکن بوده از غنای مباحث حقوق عمومی در اسلام نیز بهره جسته‌ایم. هر چند همین استفاده محدود از مباحث فوق هم وافی برای مقصود نیست و امید داریم در چاپ‌های بعدی این کتاب و سایر آثار از نگارش‌های دین مبین اسلام بهره بیشتری ببریم.

۵. در این کتاب سعی شده علاوه بر طرح مباحث معمول در حقوق اساسی، مباحث جدیدی مانند دادرسی اساسی، نظریه‌های دولت، نظریه دولت در اسلام، تشریح و تبیین نظریه‌های حاکمیت، نظام‌های انتخاباتی، آزادی‌های عمومی و ... براساس وضعیت‌های کنونی بیان شوند. بدیهی است که

۱. معمولاً در نگارش کتاب‌های حقوق اساسی در کشورمان بیشتر به منابع غربی استناد شده است.

مطالب این کتاب نیز همچون سایر آثار برآمده از اندیشه بشری خالی از ایراد و اشکال احتمالی نخواهد بود، چه آنکه علم مطلق و کمال و اعتبار مختص ذات باری تعالی است و هر آنچه جز اوست در معرض نقص و کاستی. با این حال امید می‌رود ناقدان مشفق و همراه، لغزش‌ها را به دیده اغماض نگریسته و با تذکر نقص‌ها و کاستی‌های احتمالی، در برطرف ساختن آنها با مؤلفین سهیم گردند.

۶. از کلیه کسانی که تهیه و تدوین این کتاب برای استفاده دانشجویان عزیز و اهل علم با یاری آنان صورت پذیرفت، از جمله جناب آقای احسان اکبری دانشجوی کوشا و توانمند دوره کارشناسی حقوق دانشگاه تهران، که با دقت و جدیت ویراستاری علمی و تنظیم مطالب این کتاب را به انجام رسانیدند و نیز از آقای سید حسین حسینی دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه تهران که در بازخوانی نهایی مطالب کتاب مؤلفان را یاری رساندند، سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین از آقای رضا خانجانی به جهت پیگیری‌های مربوط به چاپ کتاب و همکاران ارجمند مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران که زمینه چاپ این اثر را فراهم نمودند، تقدیر و تشکر می‌کنیم.

و اما، در این راه خداوند تعالی به واقع درهای رحمت خویش را مکرر بر روی ما گشود و مسیرهای متعدد را برای طرح و تفحص آماده ساخت. البته از بزرگ پایداری همچو او جز این انتظاری نبود:

ما نبودیم و تقاضایمان نبود / لطف تو ناگفته‌ها را می‌شنود

امید است خداوند رحمان این وجیر و باریزگاری، لطف، احسان و گذشت خویش از ما بپذیرد. باشد که کوچکتر از موری دلخوش شود که پروردگار بزرگ سلیمان هدیه ناقابل او را که البته حاصل لطف خود آن عظیم مهربان است، پذیرفته است.

لایق نبود قطره به عمان بردن / خار و خس صحرا به گلستان بردن
اما چه کنم عادت موران این است / ران ملخی نزد سلیمان بردن

و مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ وَ عَلَیْهِ التَّكْلَانِ

خیرالله پروین - فیروز اصلانی

اسفند ماه ۱۳۹۰ هجری شمسی